

بازشناسی مفهوم «منظر ایرانی» مبتنی بر عناصر سازنده آن

مهدی نصیریان*

دانشجوی دکتری معماری منظر، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده بررسی ویژگی‌های خاص انواع منسوبات و مشتقات منظر، از مهم‌ترین موضوعات در حوزه شناخت و مطالعه منظر به‌شمار می‌رود. عبارت «منظر ایرانی» اشاره به جنبه‌های خاصی از آن دارد که به طبع، واجد ویژگی‌های منحصر به فردی نیز است. علیرغم اهمیت قابل توجه شناخت معنی و مفهوم منظر ایرانی، جایگزین، مصادیق و نمونه‌های آن مورد اشاره قرار می‌گیرد و چپستی و ذات آن نادیده گرفته شده است؛ همین امر موجب شده تا این مفهوم دچار تکثر معنایی شده و مفاهیم متعدد و بعضاً نامتجانسی از آن متبادر شود. براین اساس در پژوهش حاضر، با رویکردی هستی‌شناسانه به ذات و اصل مفهوم منظر ایرانی پرداخته شده است تا ضمن تشریح ابعاد و عناصر سازنده آن، در اصل این مفهوم تدقیق شود. در این پژوهش، به‌منظور تبیین مفهوم منظر ایرانی، با روشی تحلیلی-توصیفی و استنادی، ابتدا عناصر سازنده منظر شناسایی و معرفی شده و در ادامه با شناخت مؤلفه‌های هویت بخش، ایرانی بودن آنها مورد بحث قرار گرفته است. براین اساس ایرانی بودن منظر منوط به وجود و میزان اثرگذاری عناصر طبیعی و مصنوع با هویت ملی است که هر کدام دسته‌ای از جنبه‌های هویت بخش ایرانی را دربر می‌گیرند و همچنین انسان با فرهنگ ایرانی، به‌عنوان عنصری با بیشترین ظرفیت تجلی هویت ایرانی در پدید آمدن منظر شناخته شده است.

واژگان کلیدی | ایرانیت، عناصر، هویت، انسان، فرهنگ.

استفاده از عبارت منظر ایرانی، عمدتاً مناظر ایران و یا مصادیق منظر ایرانی نظیر باغ ایرانی یا میدان‌ها و خیابان‌های شهرهای سنتی ایران مورد بحث قرار می‌گیرد و بیان مفهوم ایرانی بودن منظر، به معنای جوهره‌ای که این منظر را از سایر مناظر متمایز می‌کند، مغفول مانده است. در همین راستا در این پژوهش، ابتدا مفهوم منظر بررسی و از طریق تفکیک عناصر سازنده آن بازشناسی شده است. سپس ضمن مطابقت با شاخص‌های هویت بخش، ظرفیت تجلی مؤلفه‌های ایرانیت در هر کدام از عناصر شناسایی و در نهایت، از سنتز دو مرحله پیشین، مفهوم منظر ایرانی و کیفیت آن تشریح و بازتعریف شده است.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است که منظر ایرانی به چه کیفیتی از مناظر موجود اشاره دارد؟ آیا هر منظر پدید آمده از عناصر موجود در سرزمین ایران یا ساخته شده توسط انسان ایرانی، منظر ایرانی تلقی می‌شود؟

روش پژوهش

این مطالعه، پژوهشی کیفی با روشی ترکیبی از شیوه تحلیلی-

مقدمه | منظر را می‌توان محصول رابطه دو سویه و رفت و برگشتی میان انسان و محیط دانست؛ پدیده‌ای که خواسته یا نخواستگی از آغاز حضور و نقش آفرینی انسان در محیط پیرامون خود همراه او بوده و تأثیر و تأثر ملموس و ناملموسی بر نحوه زندگی و قضاوت‌های او داشته است. کلی و جامع بودن مفهوم منظر از یک سو و پیچیدگی لایه‌های آن نیز از سوی دیگر موجب شده است واژه «منظر» در هم‌نشینی با سایر کلمات و عبارات استفاده شود تا تمرکز بر جنبه‌ای خاص یا کیفیتی ویژه از آن مورد تأکید قرار گیرد. منظر فرهنگی، منظر آیینی، منظر صنعتی، منظر طبیعی و مواردی از این دست، همگی ترکیب‌هایی هستند که جنبه، ویژگی و یا رویکردی خاص از مفهوم منظر را مورد نظر و بررسی قرار می‌دهند.

عبارت «منظر ایرانی» از جمله عبارات پرتکرار در حوزه مطالعه و شناخت منظر است. ترکیب دو واژه منظر به‌عنوان اسم و موصوف و واژه ایرانی در مقام صفت، بیانگر کیفیت خاصی از منظر است که آن را واجد ویژگی‌هایی خاص می‌کند. علیرغم استفاده متعدد از این عبارت در زمینه‌های تحقیقاتی گوناگون، هنوز معنا و مفهوم و کیفیت خاص مورد نظر آن، آنچنان که باید مشخص و تبیین نشده است. هنگام

* نویسنده مسئول: Mahdi.nasirian@modares.ac.ir، ۰۹۳۷۰۷۰۳۷۴۳

(منصوری، ۱۳۸۹)؛ به عبارتی دیگر، پدیده‌ای عینی-ذهنی، پویا و نسبی است که محصول تعامل انسان با محیط و جامعه با تاریخ است (منصوری، ۱۳۹۴).

عناصر منظر

منظر به‌عنوانی محصول فرایند ادراک انسان، مشتمل بر دستگاه «ادراک‌کننده» ای است که در تعامل با دستگاه «ادراک‌شونده»، فرایند ادراک را شکل می‌دهد. اگرچه در نظریات مفهوم منظر افتراق وجود دارد، اما وجود یک الگوی ادراکی، مورد توافق اکثر صاحب‌نظران است. ادراک منظر به‌واسطه فرایندهایی ذهنی انجام می‌شود که بر خواسته از ارتباط انسان با محیط پیرامون است؛ انسان به‌تنهایی، به‌عنوان فرد و یا در غالب گروهی از افراد به‌عنوان جامعه، ادراک‌کننده منظر است (همتی و صابونچی، ۱۴۰۰). مطابق با هدف این پژوهش، تمرکز بر مؤلفه‌های ادراک‌شونده منظر خواهد بود. این مؤلفه‌ها را به تعبیری می‌توان عناصر سازنده منظر دانست که ابعاد ذهنی و عینی منظر را پدید می‌آورند و فرایند ادراک از خلال ترکیب و هم‌نشینی آنها شکل می‌گیرد. منظر از یک‌سو متأثر از انسان و نحوه زیست او است و از سوی دیگر بر تمدن، فرهنگ و شیوه زندگی انسان اثر می‌گذارد؛ از یک سو تحت فرهنگ مستقل دیده می‌شود و از سوی دیگر هر قوم دخالت‌هایی مبتنی بر شرایط تاریخی، فرهنگی و اقلیمی خود در منظر داشته‌اند (منصوری، ۱۳۸۳). آنچه‌ان که سوافیلد (۱۳۹۰، ۱۳۷ و ۱۴۳) اشاره می‌کند، منظر هم طبیعت است، هم فرهنگ؛ انسان تنها مؤلف منظر نیست، بلکه فرم‌ها و فرایندهای طبیعی نیز در ساخت آن نقش دارند. مفاهیم مرور شده، این نکته را روشن می‌سازد که دو عنصر اصلی به‌عنوان مؤلفه‌های ساخت منظر شناخته می‌شود؛ محیط، با همه عناصر طبیعی و مصنوع خود و انسان به‌عنوان پدیدآورنده تغییرات در محیط. این دو گروه در خلق هر دو جنبه عینی و ذهنی منظر نقش دارند (تصویر ۱). در ادامه هر یک از عناصر سازنده منظر مورد بحث قرار می‌گیرد.

• محیط

درک مفهوم، چگونگی تولید و ادراک منظر، بدون شناخت کافی از رابطه آن با محیط ممکن نخواهد بود. آنچه‌ان که پیشتر اشاره شد، منظر در بستر محیط شکل می‌گیرد. افزون بر عینیت منظر که ذاتاً وابسته به کالبد و فیزیک جهان هستی است، ذهنیت منظر نیز نیازمند پیش‌زمینه‌هایی از ابعاد عینی است تا بتواند در ذهن

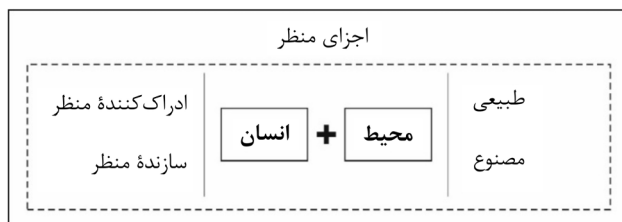
توصیفی و استنادی است. مطابق با اهداف پژوهش، منابع کتابخانه‌ای در قالب مقالات و کتب معتبر بررسی و آرای صاحب‌نظران پیرامون مفاهیم و مبانی نظری «منظر» و «هویت» تحلیل شد تا عناصر و مؤلفه‌های آن شناسایی شوند. سپس به شیوه استنباطی و استنتاجی به تبیین رابطه میان مفاهیم پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده پیرامون هویت ایرانی منظر را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؛ دسته‌ای از مطالعات با رویکردی معمارانه و کالبدی، نظام‌های ساختاری و شکلی منظر ایرانی را بررسی کرده‌اند (اخوت و همکاران، ۱۳۸۸). دسته‌ای دیگر صرفاً طیف خاصی مناظر ایرانی مانند باغ ایرانی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین مصادیق آن و یا منظر شهری ایران را بررسی کرده‌اند؛ نظیر مطالعه پیرامون عوامل هویت‌بخش کالبدی در ساختار شهر ایرانی-اسلامی (دنبلی و همکاران، ۱۳۹۷). برخی از مطالعات نیز جوهره منظر ایرانی را بررسی کرده‌اند؛ در این میان منصوری و جوادی (۱۳۹۷)، منظر ایرانی را برآمده از هم‌نشینی سه عنصر آب، درخت و چارتاکی می‌دانند که گونه‌ای خاص از فضا را پدید می‌آورد.

مفهوم منظر

به فراخور پیچیدگی ماهیت منظر، ارائه تعریف دقیق و روشن از آن نیز همواره چالشی برای صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف مرتبط با منظر بوده است. گستردگی مفهوم منظر از یک سو و تغییرات مداوم پارادایم‌های فکری غالب در جهان از سوی دیگر، موجب شده است تا تعاریف متعدد و بعضاً نامتجانسی از منظر ارائه شود. گذر از دوگانگی فلسفی دکارت و جدایی میان سوژه و اژه، ذهن‌گرایی عصر رنسانس، انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و ظهور فلسفه پست‌مدرنیسم از جمله رویدادهایی است که مفهوم و به طبع آن تعریف منظر را دگرگون ساختند (مثنوی و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۲-۳۷). در عصر حاضر تعاریف تک‌بعدی از منظر و متمرکز بر جنبه‌های محدودی از آن، جای خود را به تعاریف کل‌گرا با در نظر گرفتن ساحت عینی و ذهنی منظر داده‌اند. در میان تلاش برای تدقیق تعریف منظر، آنچه اهمیت دارد شناخت مفهوم منظر از لحاظ هستی‌شناسی و ماهیت وجودی آن است. آنچه مورد توافق است این است که اگر چه منظر تا کنون با رویکردهای مختلف و به تأثیری از تخصص در حوزه‌های مختلف نظیر جغرافیا، طراحی محیط‌زیست، معماری، معماری منظر، طراحی شهری و جامعه‌شناسی تعریف شده است (ماهان و منصوری، ۱۳۹۶)، اما همه تعاریف در ماهیت منظر اتفاق نظر دارند و آن را حاصل تعامل انسان با محیط می‌دانند؛ محیط به معنای آنچه پیرامون انسان قرار دارد و بستر زیست او را تشکیل می‌دهد و انسان که با جهان‌بینی و نگرش خود به جهان، در صدد تعامل با محیط بر می‌آید، دو رکن وجودی منظر هستند. منظر ماهیتی مکان‌مند، متأثر از تجربه انسان در فضا دارد



تصویر ۱. اجزای منظر. مأخذ: نگارنده.

نقش داشته باشد؛ مانند مناظر پدیدآمده از کشاورزی در زمین‌های حاصلخیز و یا فعالیت‌هایی نظیر حمل‌ونقل آبی و ماهی‌گیری در سواحل.

- عناصر مصنوع محیط

مصنوعی بودن چیزی بر تغییر اوضاع طبیعی و اولیة آن دلالت دارد. محیط مصنوع نیز در واقع آن گونه‌ای از محیط است که با دخل و تصرف و تغییر در اوضاع ابتدایی و طبیعی آن پدید آمده است. اگر طبیعت را قائل به عناصر، پدیده‌ها و فرایندها بدانیم، در مقابل، مصنوعی بودن نیز محدوده به عناصر نمی‌شود و متوجه پدیده‌ها و فرایندها نیز می‌شود. برای مثال نه تنها عناصر مصنوعی مانند بناها و اشیای صنعتی در محیط وجود دارد، بلکه عباراتی نظیر «دریاچه مصنوعی» نیز به گونه‌ای از برهم‌زدن شرایط طبیعی و پدیدآوردن بستری جدید با اهداف گوناگون اشاره دارد. این عناصر می‌توانند مقیاس متفاوتی از اشیای (مانند المان شهری)، توده (مانند ابنیه و سازه‌ها)، فضا (مانند فضاهای باز شهری و پارک‌ها) و زیرساخت‌های شهری را شامل شوند.

• انسان

نقش و حضور انسان در مفهوم منظر قائل به دو ساحت در هم‌تنیده اما کاملاً متمایز است. انسان نه تنها به‌عنوان مخاطب منظر آن را درک می‌کند و در نقش ادراک‌کننده منظر ظاهر می‌شود، بلکه خود به‌عنوان عنصر سازنده، در تولید منظر نیز نقش دارد. این جنبه از حضور انسان در مقام ادراک‌کننده منظر، پیوسته مورد توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه بوده است؛ اما در مقابل، پرداختن به نقش انسان به‌عنوان سازنده منظر مغفول مانده است (تصویر ۲). مطابق با اهداف این پژوهش، شناخت نقش انسان و تأثیر او در پدیدآمدن منظر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

مرور مبانی نظری و مفاهیم ارائه‌شده پیرامون رابطه انسان و منظر نشان می‌دهد آن بخش از رابطه که انسان را نه به‌عنوان ادراک‌کننده بلکه به‌عنوان پدیدآورنده منظر مورد مطالعه قرار می‌دهد، به‌طور کلی در غالب سه مفهوم بیان شده است؛ «منظر فرهنگی»، «منظر مردمی» و «منظر آیینی» (جدول ۱).

با وجود تعبیر مختلف و تفاوت در جزئیات، هر سه مفهوم یاد شده ریشه‌هایی مشترک در مفهوم اصلی منظر دارند. تفاوت‌های موجود ناشی از تمرکز بر جنبه‌هایی خاص از تعامل انسان و محیط پیرامون خود است که در هر گونه از مناظر یادشده، به نوعی شاخص‌تر از ابعاد دیگر آن است. انسان با تغییر شکل دادن بستر زیست خود و

مخاطب پردازش و شخصی‌سازی شود. یکی از موضوعات مورد بحث و اختلاف نظر در این زمینه، تفاوت میان دو مفهوم «طبیعت» و «محیط» است.

موضوع مورد بحث و مناقشه در انتخاب عبارت «طبیعت» برای کاربرد در حوزه مفهوم منظر، ماهیت طبیعی و غیرانسانی بودن آن، طبیعت به معنای آن چه پیش از انسان بوده یا انسان در ایجاد آن نقشی مستقیم ندارد، در حوزه مفهوم منظر نقصی دارد که به سبب آن، تنها طیف خاصی از مناظر را شامل می‌شود. برای مثال «منظر طبیعی» خود به‌عنوان شاخه‌ای از مناظر، با کیفیت و ویژگی خاص خود، به «مناظری که هیچ تأثیر انسانی‌ای در آنها شناخته شده نیست» اشاره می‌کند (درویان، ۱۳۹۴). اما در مقابل، واژه «محیط»، همانطور که از تعاریف بر می‌آید، می‌تواند بر همه عناصر طبیعی و مصنوع بستر دلالت کند (همتی و صابونچی، ۱۴۰۰). محیط به معنای هر آن چه که اطراف را فرا گرفته است، از کلیتی سخن می‌گوید که با جنبه‌های مختلف منظر هم‌خوانی بیشتری دارد. مطابق با آن چه از تعاریف منظر استنباط می‌شود، محیط با ماهیت طبیعی و یا مصنوع می‌تواند در ساخت و ادراک منظر دخیل باشد؛ بنابراین این دسته از عناصر سازنده منظر را می‌توان در دو گروه محیط طبیعی و محیط مصنوع جای داد.

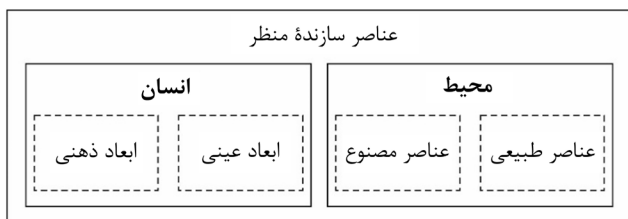
- عناصر طبیعی محیط

عناصر طبیعی سازنده منظر، مؤلفه‌هایی هستند که به‌طور طبیعی در محیط خارجی یافت می‌شوند و به شکل‌گیری مناظر کمک می‌کنند. از عناصر طبیعی سازنده منظر می‌توان به ویژگی‌های زمین‌شناسی، اقلیم و شرایط آب‌وهوایی، منابع طبیعی نظیر آب، پوشش گیاهی و گونه‌های زیستی اشاره کرد. در یک بیان کلی می‌توان متصور شد که عناصر طبیعی به سه شیوه مختلف بر ساخت منظر تأثیر می‌گذارند:

- طبیعت بکر و شرایط موجود در هر محیط به تنهایی هویت منحصربه‌فرد بستر و منظر خاص خود را بازنمایی می‌کند؛ مانند مناظر موجود در اقلیم بارانی، گرم و خشک، مناطق ساحلی و یا دشت و جنگل. گونه‌های گیاهی و جانوری نیز به‌عنوان مشخصه‌هایی از اکوسیستم موجود، به تنهایی می‌توانند مؤلفه‌های سازنده منظر هر محیط هستند.

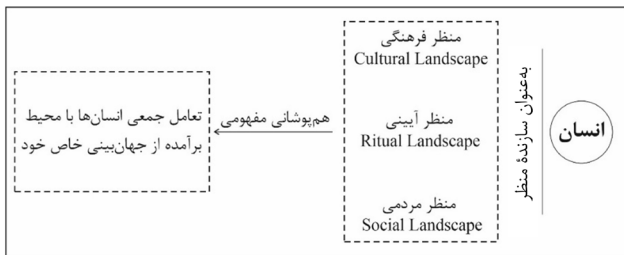
- عناصر طبیعی همچنین می‌توانند به‌واسطه ارزش‌های ثانویه‌ای که توسط انسان می‌گیرند، در غالب نماد تجلی یابند و شرایط را برای ساخت منظر فراهم سازند. آن چنان که ابرقویی فرد و صابونچی (۱۳۹۹، ۳۱) بیان می‌کنند، «افراد عناصر طبیعی محیط پیرامونی خود را در قالب انگاره‌هایی معنایی سامان بخشیده و نقطه نظرات خود را به آن نسبت می‌دهند».

- عناصر و پدیده‌های طبیعی می‌توانند زمینه‌ساز برخی از فعالیت‌های انسانی باشند. محیط طبیعی از آن جهت که فرصت و خدماتی را در اختیار انسان قرار می‌دهد که تا از آن برای رفاه خود بهره‌برداری کند، می‌تواند در تولید منظر منحصربه‌فرد بستر خود



تصویر ۲. عناصر سازنده منظر. مأخذ: نگارنده.

آن نیازمند است (ربانی، ۱۳۸۱؛ حسنی فر و عباسزاده مرزبالی، ۱۳۹۹). مراد از ملت، گروهی از انسان‌ها با سرزمین، فرهنگ، زبان و تاریخ منحصر به فرد و مشترک خود است (احمدی، ۱۳۸۸). با نگاهی به آرای صاحب‌نظران، می‌توان مؤلفه‌های اصلی و پرتکرار هویت ملی را برشمرد. هفت مؤلفه اصلی سازنده هویت ملی در جدول ۲ مرور شده است.



تصویر ۳. نقش انسان به‌عنوان عنصر اصلی در ساخت منظر. مأخذ: نگارنده.

ایجاد ارتباط میان عناصر طبیعی نظیر هوا، زمین و آب و آن چه پدید می‌آورد نظیر سکونتگاه‌ها و ساختمان‌ها، بقای خود را تضمین می‌کند و مناظری خلق می‌کند که دارای عملکرد، معنا و جنبه‌های هنری هستند (اسپیرن، ۱۳۸۴، ۳۴). بنابر آنچه اشاره شد، انسان در تولید هر دو جنبه عینی و ذهنی منظر نقش دارد؛ به عبارتی انسان هم در طبیعت دخل و تصرف کرده و تغییرات کالبدی و عینی ایجاد می‌کند، هم بعد ذهنی منظر زاینده فرایندهای ادراکی و ذهنی او است (تصویر ۳).

هویت ملی

هویت ملی از مهم‌ترین عوامل ایجاد وحدت و شکل‌گیری روح جمعی یک ملت است که موجب تمایز ملت‌ها از یکدیگر می‌شود و بزرگترین عامل ایجاد وفاق اجتماعی و استواری ارکان جامعه است که هر ملتی حتی بدون گذشته تاریخی طولانی به جدول ۱. انواع منظر با تأکید بر نقش انسان به‌عنوان سازنده اصلی. مأخذ: نگارنده.

عنوان	ویژگی و جنبه‌های شاخص	پژوهشگران
تاریخ	برآمده از تعامل میان انسان، زیست، آداب و رسوم و آیین او با طبیعت در طول زمان است؛ آگاهانه به وسیله انسان طراحی و خلق شده است؛ روایتگر لایه‌های به هم پیچیده تاریخ و طبیعت است؛ محصول دخالت ملموس یا ناملموس انسان در محیط است؛ نمایانگر شیوه‌های مختلف بهره‌مندی از ظرفیت‌های محیط توسط انسان است؛ حاصل تعامل گروهی انسان با محیط است، نه رابطه فردی او؛ متأثر از دو عامل اصلی فرهنگ و طبیعت است؛ نه به معنی بستر اولیه شکل‌گیری منظر، بلکه کیفیتی از منظر ایجاد شده است.	آلون و همکاران (Aalen et al., 1997)؛ مرکز میراث جهانی یونسکو (UNESCO World Heritage Centre, 2009)؛ عشرتی و حناچی (۱۳۹۴)؛ دانایی‌نیا و ایل‌بیگی‌پور (۱۳۹۶)؛ منصوری و آتشین‌بار (۱۳۹۳)
سازمان	شاخه‌ای از منظر فرهنگی است؛ می‌تواند دارای کالبد و یا فاقد آن باشند؛ برخاسته از طبیعت و محمل باورها، اعتقادات، آداب و رسوم است. فراتر از کالبد، متأثر از رفتار و تعامل انسان پیرامون کانون‌های معنادار و مقدس است؛ پذیرفته‌شده توسط غالب مردم بستر خود است؛ بر اثر تداوم در طول زمان تثبیت است؛ متناسب و منحصر به فرهنگ بستر خود است؛ معرف قدمت و تاریخچه جامعه است. سبب ایجاد فضاهای شاخص و هویت‌مند در محیط می‌شود. به سه شیوه نماد و اسطوره‌سازی، کالبد و بنا و سنت تجلی می‌یابد.	علی‌الحسابی و پای‌کن (۱۳۹۲)؛ منصوری (۱۳۹۲)، نقی‌زاده (۱۳۸۹)؛ حبیبی (۱۳۸۷)؛ خاک‌زند و تیموری‌گرده (۱۳۹۴)؛ خرم‌روی و همکاران (۱۳۹۷)
سازمان	شاخه‌ای از منظر فرهنگی است؛ پدید آمده تحت تأثیر مستقیم انسان است؛ عامل اصلی در ایجاد آن جوامع انسانی هستند؛ برآمده از زندگی جمعی و تعامل مردم با یکدیگر و محیط است؛ ماهیتی پویا دارد؛ تداوم آن وابسته به حفظ ارتباطات درونی جامعه است؛ گنجینه‌ای از رفتار و باورهای مردم در طول تاریخ است.	همتی (۱۳۹۸)؛ ابرقویی‌فرد و همکاران (۱۴۰۱)؛ شاتزکی (Schatzki, 2011)

جدول ۲. مؤلفه‌های سازنده هویت ملی. مأخذ: نگارنده بر گرفته از حسنی فر و عباسزاده مرزبالی، ۱۳۹۹.

مؤلفه سازنده هویت ملی	توضیحات
سرزمین	هویت ملی برآمده و وابسته به محیط جغرافیایی و قلمرو یک سرزمین مشخص و تکوین‌یافته از علاقه میان فرد و سرزمین است.
تاریخ	بقای جامعه و حفظ و پیوستگی هویت ملی، وابسته به استمرار و تداوم تاریخی حضور افراد در یک سرزمین است. تاریخ هر ملت، منعکس‌کننده تجربیات و احساسات مشترکی است که منجر به آفرینش هویت یگانه آنها می‌شود.
دین	وجود دین و تعالیم مذهبی مشترک و پایبندی به آن و همچنین اعتقاد و تداوم در سنت‌های مذهبی، نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت ملی و تمایز میان جوامع از یکدیگر دارد.
نظام حکومتی	حفظ همبستگی و هویت ملی به میزان قابل توجهی وابسته به وفاداری مردمان یک سرزمین به حکومت و مبنای ارزشی و کارکردهای آن است.
فرهنگ	فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، احساسات، رویکردها، رسم و رسوم و هنر مشترک میان یک ملت است که نسل به نسل منتقل می‌شود، خودآگاه یا ناخودآگاه، افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از نشانه‌های تاریخی هر ملت است.
زبان	زبان عنصری بنیادین از هویت ملی و تأثیرگذار در تداوم حیات هر جامعه است که عامل پیوند با گذشته یک ملت است. همه عناصر هویت ملی بر محور زبان مشترک شکل گرفته و معنا می‌یابند.
اسطوره‌ها	اسطوره‌ها نمایانگر فرهنگ و جهان‌بینی مردم و نماینده تداوم زندگی فرهنگی یک ملت و تاریخ آن هستند.

هویت ملی عناصر منظر

مطابق آن چه پیشتر اشاره شد، وجود، عدم وجود و کیفیت هویت ملی هر چیز را باید در مؤلفه‌های یادشده بررسی کرد. با توجه به هدف پژوهش و برای درک مفهوم هویت ایرانی منظر، اینک هویت عناصر سازنده با توجه به مؤلفه‌های هفت‌گانه هویت‌مندی مورد بحث قرار می‌گیرد.

– **عناصر طبیعی محیط:** هر پهنه جغرافیایی از زمین، شرایط منحصر به فردی از لحاظ اقلیم، تنوع زیستی، زمین‌شناسی و دیگر مؤلفه‌های جهان طبیعت دارد که همین امر اجزای طبیعی موجود در آن سرزمین را متمایز از سایر نقاط جهان می‌کند. این موضوع در حوزه علم اقلیم‌شناسی قابل بحث است. این تفاوت می‌تواند تنوع در ویژگی‌های آب‌وهوایی، گونه‌های گیاهی، گونه‌های جانوری، توپوگرافی، منابع طبیعی و ... در نقاط مختلف را سبب شود. با این تفاسیر، هویت عناصر طبیعی را می‌توان برآمده از مؤلفه هویت‌ساز «سرزمین» دانست که معرف هویت بستر خاص خود هستند.

– **عناصر مصنوع محیط:** «سرزمین» در تعیین نوع و کیفیت منابع طبیعی برای ساخت‌وساز انسان و بهره‌مندی او از مصالح موجود، در جهت اهداف خود تأثیر گذار است. «نظام حکومتی» متناسب با ماهیت و اهداف خود می‌تواند مروج سبک‌ها و الگوهای خاصی از بناها و عناصر کالبدی در جامعه باشد. آنها همچنین بر ساختار شهر و متأثر از آن، بر زیرساخت‌های شهری نیز تأثیر گذارند. در رابطه‌ای به هم پیوسته، «دین» و «اسطوره» نیز بر عناصر مصنوع موجود در محیط تأثیر دارند؛ آیین‌ها و مناسک دینی و همچنین پرستش و بزرگداشت اسطوره‌ها، عمدتاً نیازمند کالبد فیزیکی، مصنوعات و عیناتی هستند که جلوه‌ای از هویت بستر خود را بازنمایی می‌کنند. «فرهنگ» هر ملت متأثر از عوامل مختلفی مانند تاریخ، ادبیات، هنر، مذهب، زبان، آداب و رسوم و ... است و تأثیر قابل توجهی بر عناصر مصنوع یک ملت دارد. این تأثیر در حوزه‌های مختلفی مانند معماری، طراحی، صنایع دستی، نقاشی و ... قابل مشاهده است. از این رو، فرهنگ می‌تواند عناصر مصنوع را در قالب نمادها و الگوهایی متفاوت و متنوع ایجاد کند که هویت هر ملت را جلوه می‌دهد.

– **انسان:** منظر پدیده‌آمده توسط انسان در هر دو ساحت عینی و ذهنی آن، می‌تواند محمل هویت ملی جامعه باشد. «سرزمین» به معنای محیطی که زیست انسان در آن جریان دارد، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت او دارد. انسان‌ها از طریق ارتباط با سرزمین خود، ارتباطات اجتماعی، قومی، هویت فردی و گروهی و حتی ایده‌ها و ارزش‌های مشترک را تجربه می‌کنند. آثار فرهنگی و هنری، زبان، آیین‌ها و رسومات، همگی تحت تأثیر محیط زندگی انسان هستند و بر هویت او تأثیر می‌گذارند. «تاریخ» به‌عنوان مجموعه‌ای از رویدادها، فرایندها، ایده‌ها و تجربیات گذشته، به شکل دادن هویت فردی و جمعی کمک می‌کند. تاریخ می‌تواند ارزش‌های فردی و جمعی را تعیین کند و همچنین از طریق یادآوری دوران گذشته و بررسی تجربیات قدیمی، احساس تعلق به جامعه ملی و هویت

فردی را تقویت کند. «دین» و «اسطوره» نیز به شکل گسترده‌ای بر ارزش‌ها، باورها، رفتارها و تصورات مردم تأثیر می‌گذارند و به ایجاد هویت فردی و جمعی کمک کنند. دین به‌عنوان یک سیستم اعتقادی و فرهنگی، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به هویت انسان دارد. اسطوره‌ها نیز می‌توانند افراد را از دوران‌های گذشته تا به امروز، به شکل دادن ارزش‌های فرهنگی کمک کنند؛ آنها می‌توانند ارزش‌ها، ایده‌ها و اصول اساسی یک فرهنگ و جامعه را منعکس کنند و به تقویت هویت ملی یا جمعیتی که آنها را باور می‌کنند کمک کنند (حسنی فر و عباس‌زاده مرزبالی، ۱۳۹۹). «نظام حکومتی»، از جمله اقدامات سیاسی، قانونی و اجتماعی دولت، میزان آزادی شهروندان، نحوه توزیع قدرت و منابع، حقوق انسانی و حقوق اجتماعی را تعیین می‌کند؛ این عوامل همه با یکدیگر تعامل دارند و می‌توانند به شکل دادن هویت انسان کمک یا آن را محدود کنند. «فرهنگ» از آن جهت که اساساً ماهیتی انسانی دارد، بیشترین تأثیر را بر هویت انسان دارد. فرهنگ، باورها، جهان‌بینی، سبک زندگی و شیوه تعامل با جهان هستی را تعیین می‌کند و به شکل دادن هویت فردی و جمعی کمک کند. فرهنگ می‌تواند احساس تعلق به جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند را ایجاد کند. «زبان» نیز تأثیرات گسترده‌ای بر هویت انسان دارد. هر زبان به‌عنوان ابزار اصلی برای ابراز احساسات، اندیشه‌ها، اعتقادات و ارزش‌های فردی و فرهنگی، دارای الگوهای خاص خود است که نشان‌دهنده فرهنگ، اعتقادات و ارزش‌های منحصر به فرد یک جامعه است (تصویر ۴).

بحث: ایرانی بودن منظر

منظر، مفهومی پیچیده و دارای لایه‌های متعدد است؛ اطلاق صفتی مانند «ایرانی» و افزودن ماهیت ایرانی نیز بر پیچیدگی‌های آن می‌افزاید. با این وجود بهره‌مندی از عناصر سازنده آن برای تعریف و تبیین مفهوم منظر ایرانی، می‌تواند به روشن شدن ابعاد و ویژگی‌های آن کمک کند. اگر چه مطابق با نظریه‌های مختلف مانند گشتالت، کل هر چیز، از مجموع اجزای سازنده آن بیشتر است (شاپوریان، ۱۳۸۶) و این موضوع در رابطه با پدیده منظر نیز با توجه به ماهیت آن بیشتر خودنمایی می‌کند، اما از این رهگذر می‌توان منظر ایرانی را بازشناسایی کرد. برای داشتن هویت ملی، تک‌تک عناصر و مؤلفه‌های منظر و همچنین کلیت آن می‌بایست ایرانی باشد. هویت‌مند بودن عناصر منظر پیشتر مورد بحث قرار گرفت؛ در این بخش به ایرانی بودن هر یک از آنها پرداخته می‌شود.



تصویر ۴. مؤلفه‌های تأثیر گذار بر هویت هر یک از عناصر سازنده منظر. مأخذ: نگارنده.

• سرزمین

هویت عناصر طبیعی محیط که در ساخت منظر نقش دارند، غالباً متأثر از سرزمین هستند. ایرانی بودن عناصر طبیعی یعنی مصادیق آن نظیر گونه‌های گیاهی، گونه‌های جانوری، آب‌وهوا، جنس زمین و ...، متعلق به جغرافیا، اقلیم و سرزمین ایران و بومی آن باشند؛ به‌نحوی که با سایر اقلیم‌ها، سرزمین و موقعیت‌های مکانی متمایز باشد. مصالح خاکی نظیر خشت و آجر، تکنیک‌های ساخت مانند طاق و گنبد، سیستم‌های آبرسانی سنتی و گیاهان شاخصی نظیر کاج، سرو و چنار که مناظری مانند بافت شهرهای سنتی و گونه‌های مختلف باغ ایرانی را پدید آورده‌اند، همگی متأثر از جغرافیا و اقلیم این سرزمین است.

• نظام حکومتی

در یکی از مهم‌ترین گونه‌های منظر یعنی منظر شهری، منظر پدیدآمده در دوره حاکمیت‌های مختلف ایران، متفاوت است. در دوره پیش از اسلام و حاکمیت ساسانیان سازمان شهر متشکل از ارگ، آتشکده و مراکز اداری در مرکز شهر، محله‌های اشراف در لایه بعدی و در آخر محله‌های پیشه‌وران قرار داشت (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲). در حالی که شهرهای تحت حکومت دولت‌های اسلامی در ایران، متشکل از عناصری چون مسجد جامع، بازار، میدان و محله‌هایی است که براساس قومیت یا پیشه ساکنان شکل گرفته‌اند که ساختار و منظر شهری متفاوتی را پدید آورده بود (منصوری، ۱۳۸۶، ۵۵-۵۹). نظام‌های حکومتی از حیث تعیین دین واحد در قلمرو تحت حکومت و همچنین سیاست‌های اخذشده، بر نحوه تعامل انسان با محیط تأثیر می‌گذارند. برای مثال سفرهای پادشاهان قاجار به فرنگ و تأثیرپذیری از هنر و معماری کشورهای اروپایی، بر مناظر شهری زمان خود تأثیر مستقیم داشته است (قبادیان، ۱۳۹۲).

• دین

دین به‌واسطه ضرورت وجود مراکز عبادی و نیایشگاه‌ها، آیین‌ها و مناسک دینی، به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری مناظر ایرانی با هویت منحصر به فرد خود تأثیر گذاشته است. فضاها و بناهای ساخته‌شده در ایران پیش از اسلام مانند ساختمان‌های عظیم و کاخ‌های هخامنشیان و ساسانیان و یا آتشکده‌های زرتشتی، همگی برخاسته از اعتقادات دینی عصر خود بوده‌اند (زندیه، ۱۳۹۸). پس از ورود اسلام نیز منظر ایرانی از لحاظ معنایی، فضایی و کالبدی دچار تغییر و وابسته به موازین دین اسلام شد؛ نقش مساجد در شکل‌گیری ساختار و هویت شهر ایرانی غیرقابل انکار است (ولزبیچر، ۱۳۹۶). اگر چه تعامل انسان ایرانی با طبیعت پیرامون خود در طول تاریخ متأثر موازین ادیان غالب بوده است، اما کلیتی یکپارچه و منسجم داشته است که مبنای آن با وجود تفاوت در جزئیات، حفظ شده است. در عصر ایران باستان و پیش از ورود اسلام، تقدیس طبیعت و عناصر طبیعی و اهتمام برای درختکاری و باغسازی، امری برآمده از دین و مبنای رفتار انسان بود. پس از ورود اسلام نیز دیدگاه جهان‌بینی اعتقادی ایرانیان در رابطه با طبیعت و مقدس شمردن آن تداوم یافت.

• اسطوره

اسطوره‌ها در طول تاریخ بر نحوه دخل و تصرف ایرانیان در طبیعت و ایجاد مناظر نقش داشته‌اند. اساطیر ایران باستان که از طبیعت و عناصر طبیعی مانند آسمان، خورشید و گیاهان انتخاب می‌شدند، به تعامل انسان ایرانی با محیط پیرامون خود و ساخت مناظر هویت‌مند منجر می‌شدند (فرهی فریمانی و حقیقت‌بین، ۱۳۹۵). این اسطوره‌ها در آفرینش مناظر آیینی نظیر نیایش در کنار مظاهر مختلف آب و یا مناجات و دخیل بستن بر درختان مقدس، ساخت اماکن مقدسی نظیر معابد آنهایتا در نقاط مختلف سرزمین ایران و همچنین تزئینات و نقوش مختلف مانند نقش درخت سرو در بسیاری از آثار معماری کهن نقش داشته‌اند.

• فرهنگ

ویژگی‌هایی نظیر محرمیت، درونگرایی، نفوذپذیری، تعامل‌پذیری و ... غالباً وابسته و برخاسته از فرهنگ جامعه ایرانی هستند که در ابعاد مختلف منظر تجلی می‌یابند. انسان ایرانی با نگرش و جهان‌بینی خود که در فرهنگ او متجلی است، در تعامل با طبیعت مناظر متفاوتی را به اقتضای زمان و شرایط موجود خلق می‌کند. زیبایی‌شناسی، کیفیت تعاملات در فضاهای جمعی، عناصر و ترکیب‌های موجود در ساختار کالبدی، چگونگی برخورد با طبیعت و عوامل بسیار دیگری از جمله تأثیرات فرهنگ ایرانی بر انسان ایرانی به‌شمار می‌آید که در تولید منظر نقش دارد.

• زبان

زبان فارسی از عوامل وحدت‌بخش تمدن و فرهنگ ایرانی بوده است که در آفرینش آثار ادبی و هنری تأثیرگذار بوده‌اند (مدرسی، ۱۳۹۴، ۱۲). این زبان همچنین در انتقال آداب‌ورسوم، آیین و میراث فرهنگی و حفظ ارتباط میان ارزش‌های اعصار متمدنی نقش داشته است.

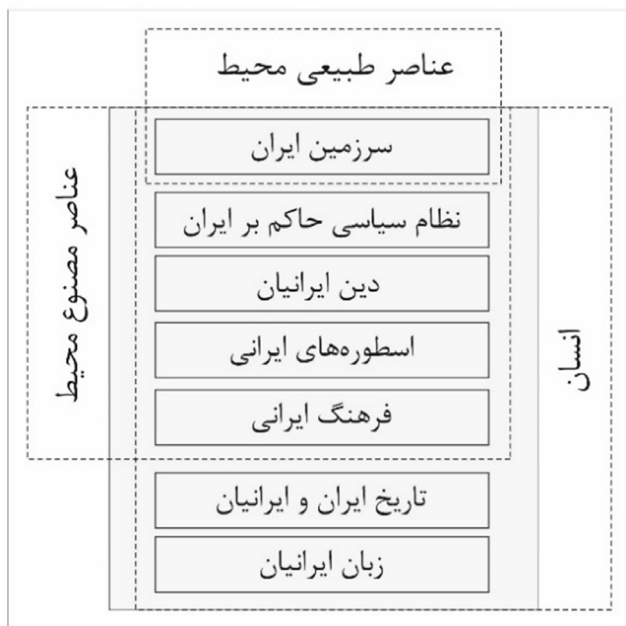
• تاریخ

تاریخ ایران بر شکل‌گیری نگرش و شخصیت ایرانیان نقش پررنگی داشته و یکی از عمده‌ترین عناصر سازنده هویت ملی ایران است (احمدی، ۱۳۸۸). مناظر پدیدآمده اساساً ردی از تاریخ بر طبیعت دارند که روایتگر الگوهای پیشین، حوادث و وقایع و در یک کلام تاریخ بستر خویش هستند. از جمله آنها می‌توان به محوطه‌های باستانی و شهرهای سنتی ایران اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

تبیین مفهوم منظر ایرانی به شناخت بهتر کیفیت و مصادیق آن کمک شایانی می‌کند. اگرچه منظر به‌عنوان یک کل منسجم، فراتر از مجموع تک‌تک اجزای تشکیل‌دهنده به‌تنهایی است، اما هویت آن را می‌توان در هویت عناصر سازنده منظر جست. مطابق با آنچه پیشتر بیان شد و در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، ایرانی بودن منظر متأثر از میزان ایرانی بودن عناصر طبیعی و عناصر مصنوع محیط و همچنین فرهنگ انسانی به‌عنوان سازنده ابعاد عینی و ذهنی منظر

مؤلفه‌های پدیدآورنده منظر ایرانی



تصویر ۵. ماهیت منظر ایرانی مبتنی بر عناصر سازنده آن. مأخذ: نگارنده.

است. این هویت ایرانی در قالب مؤلفه‌های هفت‌گانه سرزمین، تاریخ، دین، نظام حکومتی، فرهنگ، زبان و اسطوره در عناصر منظرساز تجلی می‌یابد (تصویر ۵). آنچه‌آن که بررسی شد، انسان به‌عنوان پدیدآورنده منظر، بیشترین ظرفیت و تأثیر را در افزودن هویت ایرانی به مناظر دارد و همه مؤلفه‌های هویت‌بخش برای او صادق هستند. با این تفاسیر اگر مصادیقی از منظر مانند باغ ایرانی با گونه‌های گیاهی غیربومی و هویتی بجز هویت ایرانی متصور شود، آن منظر ایرانی نیست؛ اگر منظر شهرهای سنتی ایرانی با ساختمان‌هایی با هویت غیرایرانی و فرم و تزئینات غیربومی متصور شود، این منظر ایرانی نیست و حتی اگر در مناظری با کالبد اصیل ایرانی نظیر میادین شهرهای سنتی، حضور و تعامل انسان با محیط پیرامون خود کیفیتی متفاوت از جهان‌بینی و زیست ایرانیان داشته باشد، آن منظر نیز ایرانی تلقی نمی‌شود. منظر ایرانی در همه ابعاد و اجزای خود هویت منحصر به فرد خود را ابراز می‌دارد. همچنین یادآوری این نکته ضروری است که میزان ایرانی‌بودن منظر مانند سایر کیفیات و ویژگی‌هایی که می‌توان برای منظر متصور شد، به‌صورت صفر و صدی و مطلق نیست، بلکه طیفی را در بر می‌گیرد که به نقش آفرینی هر یک از عناصر در بازنمایی هویت ایرانی وابسته است.

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده، و صابونچی، پرپیچهر. (۱۳۹۹). منظر همچون طبیعت نمادین، تأملی بر نقش نمادین عناصر طبیعی در شکل‌گیری منظر روستای «کامو». منظر، ۱۲(۵۲)، ۲۸-۳۷. <https://doi.org/10.22034/manzar.2020.226462.2059>
- ابرقویی فرد، حمیده؛ صدفی کهنه شهری، پدram؛ نصیریان، مهدی؛ امینی، بهاره؛ احمدی، مارال و اکبریور بازرگانی، سجاد. (۱۴۰۱). دوراهی حفاظت یا تغییر؟ در جستجوی راهکاری برای مانایی منظر مردمی در بافت تاریخی شهرهای سمنان و دامغان. گردشگری فرهنگ، ۳(۹)، ۱۷-۲۶. <https://doi.org/10.22034/toc.2022.350596.1086>
- احمدی، حمید. (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروند محور. پژوهش‌کده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اخوت، هانیبه؛ زمانی، احسان؛ امیرخانی، آریین و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۸). تحلیل نظام‌های ساختاری و شکلی حاکم بر معماری منظر ایران (با تأکید بر غالب ادیان توحیدی ایران). آرمانشهر، ۲(۳)، ۹۰-۱۰۲. https://www.armanshahrjournal.com/article_32602.html
- اسپیرین، آن ویستون. (۱۳۸۴). زبان منظر (ترجمه سید حسین بحرینی و بهناز امین‌زاده). دانشگاه تهران. (اصل اثر منتشره ۱۹۹۸)
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۷). فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره جمعی. صفه، ۹(۲۸)، ۱۶-۲۱.
- حسنی‌فر، عبدالرحمن و عباس‌زاده مرزبالی، مجید. (۱۳۹۹). مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت ملی ایران در فرایند تاریخی. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۱(۱)، ۳۳-۵۹. <https://doi.org/10.30465/scs.2020.5185>
- خاک زند، مهدی و تیموری‌گرده، سعیده. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آیین‌های عاشورایی بر منظر شهری و خاطرات جمعی از دیدگاه شهروندان. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۹(۱)، ۵۵-۶۳.
- خرم‌روبی، ریحانه؛ ماهان، امین و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۸). تبیین مفهوم منظر آیینی و بررسی جلوه‌های تبلور آن. هویت شهر، ۱۳(۳۸)، ۵۱-۶۲. https://journals.srbiau.ac.ir/article_14521.html
- دانایی‌نیا، احمد و ایل بیگی‌پور، فرانک. (۱۳۹۶). ویژگی‌های منظر فرهنگی عشایر بختیاری و تأثیر آن در ساختار معماری کوچ‌نشینان. باغ نظر، ۱۴(۵۷)، ۶۳-۷۴.
- درودیان، سیاوش. (۱۳۹۴). منظر، منظر طبیعی، منظر فرهنگی. منظر، ۷(۳۲)، ۸۲-۸۷. https://www.manzar-sj.com/article_15017.html
- دنبلی، سارا؛ کلاتتری خلیل‌آباد، حسین و آقاصفری، عارف. (۱۳۹۷). بازشناسی مؤلفه‌های هویت منظر شهری در شهرهای ایرانی-اسلامی، نمونه موردی شهر تهران. نقش جهان، ۸(۴)، ۲۲۳-۲۳۰. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-31770-fa.html>
- ربانی، جعفر. (۱۳۸۱). هویت ملی. انجمن اولیا و مربیان.
- زنده، مهدی. (۱۳۹۸). تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان. پژوهش‌های علم و دین، ۱۰(۱)، ۱۸۷-۲۰۳. <https://doi.org/10.30465/srs.2019.4755.203>
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۲). تاریخ شهرنشینی و شهرسازی در ایران. آبی.
- سوافیلد، سایمون. (۱۳۹۰). نظریه در معماری منظر (ترجمه محسن فیضی، مهدی خاک زند و سینا رزاقی اصل). فرهنگ متین. (اصل اثر منتشره ۲۰۰۲)
- شاپوریان، رضا. (۱۳۸۶). اصول کلی روانشناسی گشتالت. رشد.
- عشرتی پرستو و حناچی، پیروز. (۱۳۹۴). تعریفی نوین از مفهوم منظر فرهنگی مبتنی بر فرایند شکل‌گیری آن. نقش جهان، ۵(۳)، ۴۲-۵۱. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-10142-fa.html>
- علی‌الحسینی، مهران و پای‌کن، عصمت. (۱۳۹۲). تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی و بررسی مصداق‌های آن در آیین‌های عاشورایی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۲(۱)، ۲۷-۳۶.
- فرهی فریمانی، مریم و حقیقت‌بین، مهدی. (۱۳۹۵). واکاوی ادراک ایرانیان در مواجهه با طبیعت (مطالعه موردی، بررسی تولیدات علمی در رشته معماری منظر و حوزه هنر و معماری). مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۲۴)، ۳۳-۴۲.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. علم معمار رویال.
- ماهان، امین و منصور، سید امیر. (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف. باغ نظر، ۱۴(۴۷)، ۱۷-۲۸. https://www.bagh-sj.com/article_45081.html
- مثنوی، محمدرضا؛ متدین، حشمت‌الله؛ صابونچی، پرپیچهر و همتی،

معماری و شهرسازی نظر.
 • نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۹). *تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها و شیوه‌ها)*. جهاد دانشگاهی.
 • ولزبیچر، کریستین. (۱۳۹۶). *معماری اروپایی - اسلامی مساجد جدید در غرب (ترجمه مهدی زندیه و مارال ابوالقاسم مقدم)*. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. (اصل اثر منتشره ۲۰۰۸)
 • همتی، مرتضی و صابونچی، پریچهر. (۱۴۰۰). ادراک‌کننده، ادراک‌شونده، محصول ادراک (ارزیابی تعابیر صاحب‌نظران از مؤلفه‌های تعریف منظر). منظر، ۱۳ (۵۶)، ۱۴-۲۹. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.273356.2115>
 • همتی، مرتضی. (۱۳۹۸). نقش طبیعت به‌عنوان زیرساخت مناظر مردمی در جهت توسعه پایدار شهر کرمان. هنر و تمدن شرق، ۷ (۲۴)، ۵-۱۲. <https://doi.org/10.22034/jaco.2019.89247>
 • Aalen, F.H.A, Whelan, K., Stout, M. (Eds.). (1997) *Atlas of the Irish Rural Landscape*. University of the Toronto Press.
 • Schatzki, T, R. (2011). Landscapes as Temporalspatial Phenomena. In J. Malpas (Ed.), *The Place of Landscape: Concepts, Contexts, Studies* (pp. 65-89). The MIT Press.
 • UNESCO World Heritage Center. (2009). *Cultural Landscape*. Retrieved January 28, 2024 from <https://whc.unesco.org/en/culturallandscape/>

مرتضی. (۱۴۰۰). تحلیل مفهوم منظر و رویکرد منظر از سطح نظری تا عرصه اجرایی: مرور ادبیات نظری. منظر، ۱۳ (۵۷)، ۲۲-۳۷. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.283818.2128>
 • مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۴). *زبان فارسی در گستره تمدن ایران زمین*. تمدن ایرانی.
 • منصور، سید امیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. *باغ نظر*، ۱ (۲)، ۶۹-۷۸. https://www.bagh-sj.com/article_1489.html?lang=fa
 • منصور، سید امیر. (۱۳۸۶). دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان. *باغ نظر*، ۴ (۷)، ۴۹-۶۰. https://www.bagh-sj.com/article_67.html
 • منصور، سید امیر. (۱۳۸۹). چپستی منظر شهری. *منظر*، ۲ (۹)، ۳۰-۳۳. https://www.manzar-sj.com/article_405.html?lang=fa
 • منصور، سید امیر. (۱۳۹۲). منظر آیینی. *منظر*، ۵ (۲۴)، ۵ و ۶. https://www.manzar-sj.com/article_4061.html?lang=fa
 • منصور، مریم‌السادات و آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۳). ارتقا کیفی منظر شهر تهران در تلاقی خیابان و فضای عمومی. *منظر*، ۶ (۲۸)، ۱۲-۱۷. https://www.manzar-sj.com/article_7668.html
 • منصور، سید امیر. (۱۳۹۴). *مبانی نظری معماری منظر [جزوه درسی منتشر نشده]*. دانشکده معماری، دانشکده‌های هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
 • منصور، سید امیر و جوادی، شهره. (۱۳۹۷). *سه‌گانه منظر ایرانی*. پژوهشکده هنر،

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

نصیریان، مهدی. (۱۴۰۳). بازشناسی مفهوم «منظر ایرانی» مبتنی بر عناصر سازنده آن. *منظر*، ۱۶ (۶۸)، ۱۸-۲۵.



DOI: 10.22034/manzar.2024.448753.2282

URL: https://www.manzar-sj.com/article_204134.html